

The Effectiveness of Quality of Life Psychotherapy on the Psychological Well-Being of Mothers of Children with Autism

Fariborz Sadigh Arfaee*: Associate professor, faculty of psychology department, college of humanities sciences, university of Kashan, Kashan, Iran. fas@kashanu.ac.ir

Nasrin Dara: MA educational psychology, university of Kashan, Kashan, Iran. nasrin.dara@gmail.com

Abstract

Introduction: The birth of an autistic child affects the family's adaptability and psychological well-being. As autistic children's families have more adaptive problems than normal parents. The purpose of this study was to investigate the effect of psychotherapy based on the quality of life on the psychological well-being of mothers of children with autism.

Methods: This is a semi-experimental study with a pretest and posttest design and a control group. The statistical population consisted of all autistic mother who referred to the autism center of Kashan in the fall of 2016. Using entry and exit criteria, twenty eligible people were selected by available sampling method and divided into two groups, the experimental and control groups. The experimental group was trained by quality of life-based psychotherapy for eight sessions, each sixty-minute once a week. Reef's(1995) psychological well-being questionnaire used as instruments. Data were analyzed using multivariate covariance analysis.

Results: The results of covariance analysis showed that education based on the quality of life treatment led to a significant increase in the performance of psychological well-being (self-acceptance, positive relationships with others, autonomy, environmental domination, purposeful life, and individual growth) of experimental group posttest score compared to control group.($P<0.05$)

Conclusions: These children with their limited, delayed and problematic communication patterns, inflict a lot of psychological pressure on families, especially mothers. Therefore, programs to support families and educate strategies of mental health are necessary.

Keywords

Psychotherapy Based on Quality of Life

Psychological Well-Being

Autistic Children

Mothers

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 14 Feb 2017
Accepted: 14 Jun 2018

Please cite this article as follows:

Sadigh Arfaee F and Dara N. The effectiveness of quality of life psychotherapy on the psychological well-being of mothers of children with Autism. Quarterly journal of social work. 2017/2018; 6 (4); 23-32

اثربخشی روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی بر بهزیستی روان‌شناختی مادران کودکان اوتیسم

فریبرز صدیقی ارفعی*: دانشیار، هیت علمی گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ایران. fas@kashanu.ac.ir

نسرين دارا: کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه کاشان، ایران. nasrin.dara@gmail.com

واژگان کلیدی

روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی

بهزیستی روان‌شناختی

کودکان اوتیسم

مادران

چکیده

مقدمه: تولد کودک اوتیسم ضربه‌های مخربی را بر سازگاری و بهزیستی روانی خانواده‌ها وارد می‌سازد. به نحوی که خانواده‌های کودکان اوتیسم مشکلات سازشی بیشتری نسبت به والدین کودکان عادی دارند. هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی بر بهزیستی روان‌شناختی مادران کودکان مبتلا به اوتیسم بوده است.

روش: این مطالعه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل اجرا گردید. جامعه آماری شامل کلیه مادران دارای کودک اوتیسم مراجعه‌کننده به مرکز اوتیسم شهرستان کاشان در پاییز سال ۱۳۹۵ بود، که با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود و خروج، بیست نفر واجد شرایط ورود به مطالعه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. گروه آزمایش به مدت هشت جلسه (هفته‌ای یک جلسه شصت دقیقه‌ای) تحت آموزش به شیوه روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی قرار گرفتند اما گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. در این پژوهش از پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف و مقیاس کیفیت زندگی درمانی استفاده گردید. داده‌ها با بهره‌گیری از روش آماری تحلیل کواریانس چندمتغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج: نتایج تجزیه کواریانس نشان داد آموزش روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی منجر به افزایش معنادار عملکرد بهزیستی روان‌شناختی (پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد فردی) گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون شده است. ($P < 0.05$)

بحث و نتیجه‌گیری: این کودکان، با تاخیر در ارتباط و الگوهای ارتباطی کلیشه‌ای محدود خود، فشارهای روانی بسیاری را بر خانواده‌ها و به‌خصوص مادران وارد می‌کنند. بنابراین برنامه‌هایی جهت حمایت از خانواده‌ها و آموزش راهبردهای سلامت روانی ضروری می‌باشد.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۴

فریبرز صدیقی ارفعی و نسرين دارا. اثربخشی روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی بر بهزیستی روان‌شناختی مادران کودکان اوتیسم. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۶؛ ۶ (۴): ۳۲-۲۳

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

یکی از مفاهیم مهم در بافت کیفیت زندگی و رویکرد روانشناسی مثبت، مفهوم بهزیستی روان‌شناختی می‌باشد. بهزیستی روان‌شناختی به ارزیابی و درک شخصی افراد از کیفیت زندگی‌شان (شامل کیفیت کنش‌های اجتماعی، روان‌شناختی و عاطفی) اطلاق می‌شود. (۱) افراد با احساس بهزیستی بالا، هیجان‌های مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند. از گذشته و آینده خودشان و دیگران، رویدادها و حوادث پیرامون‌شان ارزیابی مثبتی دارند و آن‌ها را خوشایند توصیف می‌کنند. در حالی که افراد با احساس بهزیستی پایین موارد مذکور را نامطلوب ارزیابی کرده و هیجان‌های منفی مانند اضطراب و افسردگی بیشتری را تجربه می‌کنند. (۲) بهزیستی روان‌شناختی شامل اصول مهمی است که از طریق تاثیر احساسات بر همه ابعاد رفتار انسان و پیشرفت او (شامل سلامت فیزیکی و روانی، پیشرفت مهارتی و آموزشی، صلاحیت اجتماعی و ایجاد روابط مثبت اجتماعی) قابل شناسایی است. (۳) یکی از مهمترین مدل‌هایی که بهزیستی روان‌شناختی را مفهوم‌سازی و عملیاتی کرده، مدل چندبعدی ریف است. (۴) ریف بهزیستی روان‌شناختی را تلاش فرد برای تحقق توانایی‌های بالقوه‌ی واقعی خود می‌داند. این مدل از طریق ادغام نظریه‌های مختلف رشد فردی (مانند نظریه خودشکوفایی مزلو و شخص کامل راجرز) و عملکرد سازگارانه (نظریه سلامت روانی مثبت جاهدودا) شکل گرفته و گسترش یافته است. (۵)

بهزیستی روان‌شناختی در مدل ریف و همکاران از شش مولفه تشکیل شده است: ۱- مولفه پذیرش خود به معنی داشتن نگرش مثبت به خود و زندگی گذشته خویش. اگر فرد در ارزشیابی استعدادها، توانایی‌ها و فعالیت‌های خود احساس رضایت کند و در رجوع به گذشته خود احساس خشنودی کند، کارکرد روانی مطلوبی خواهد داشت. همه انسان‌ها تلاش می‌کنند علی‌رغم محدودیت‌هایی که در خود سراغ دارند، نگرش مثبتی به خویش داشته باشند، این نگرش، پذیرش خود است. (۶) ۲- مولفه خودمختاری، به احساس استقلال، خودکفایی و آزادی از هنجارها اطلاق می‌شود. فردی که بتواند بر اساس افکار، احساسات و باورهای شخصی خود تصمیم بگیرد، دارای ویژگی خودمختاری است. در حقیقت، توانایی فرد برای مقابله با فشارهای اجتماعی، به این مولفه، مربوط می‌شود. (۴) ۳- داشتن ارتباط مثبت با دیگران به معنی داشتن رابطه با کیفیت و ارضاکننده با دیگران است. افراد با این ویژگی عمدتاً انسان‌هایی مطبوع، نوع‌دوست و توانا در دوست داشتن دیگران هستند و می‌کوشند رابطه‌ای گرم بر اساس اعتماد متقابل با دیگران، ایجاد کنند. (۷) ۴- مولفه هدفمندی در زندگی، به مفهوم دارا بودن اهداف دراز مدت و کوتاه مدت در زندگی و معنادار شمردن آن است. فرد هدفمند نسبت به فعالیت‌ها و رویدادهای زندگی علاقه نشان می‌دهد و به شکل موثر با آن‌ها درگیر می‌شود. یافتن معنی برای تلاش‌ها و چالش‌های زندگی در قالب این مولفه قرار می‌گیرد. (۴) ۵- تسلط بر محیط مولفه دیگر این مدل به معنی توانایی فرد برای مدیریت زندگی و مقتضیات آن است. لذا فردی که احساس تسلط بر محیط داشته باشد، می‌تواند ابعاد مختلف محیط و شرایط آن را تا حد امکان دستکاری کند، تغییر دهد و بهبود بخشد. (۷) ۶- مولفه رشد شخصی به گشودگی نسبت به تجربیات جدید اطلاق می‌شود. فردی با این ویژگی، همواره درصدد بهبود زندگی شخصی خویش از طریق یادگیری و تجربه است. (۸)

شواهد پژوهشی فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد حوادث نامطلوب زندگی قادرند بهزیستی روان‌شناختی را تحت تاثیر قرار دهند، مختل کنند و به ایجاد مشکلات روانی مانند افسردگی و اضطراب منجر شوند. (۹) شرایط یک کودک ناتوان می‌تواند تفاوت قابل توجهی با همسالان از نظر هوشی، جسمی، روانی و اجتماعی داشته باشد. (۱۰) یکی از شرایط تفاوت، اختلال اوتیسم است که به عنوان یکی از بیماری‌های گروه اختلالات فراگیر رشد براساس متن DSM-5 با دو ملاک ارتباطات، تعاملات اجتماعی و رفتارهای کلیشه‌ای محدود شده تعریف می‌شود. (۱۱) اختلالات طیف اوتیسم مشکلات روان‌شناختی شدیدی است که در طفولیت و قبل از سی و شش ماهگی ظاهر می‌شود. (۱۲) اختلال اوتیسم به عنوان یک اختلال رشدی، عبارت است از پاسخگو نبودن به دیگران در زمینه مهارت‌های اجتماعی و تاخیر شدید یا نداشتن مهارت‌های ارتباطی، به طوری که کودکان مبتلا به این اختلال، در معاشرت بین فردی (ارتباطات و بازی) و روابط پیچیده، نقایص شدیدی نشان می‌دهند. (۱۳)

طیف اختلالات اوتیسم منجر به سطوح بالای اضطراب، استرس، انزوا و بلا تکلیفی در والدین، کودکان و دیگر اعضای خانواده می گردد. (۱۴) با تولد کودک دچار درخودماندگی و آگاهی از اختلال وی، والدین غالباً دچار بهت زدگی، ناباوری و در پی آن سرخورده گی های شدیدی می شوند. آن ها بایستی با این واقعیت که کودک شان شرایطی دارد که وی را تا پایان عمر درگیر می کند، کنار بیایند و انتظارات شان را با محدودیت های او متناسب کنند. (۱۵) والدین اغلب، استرس زیادی را در نقش والدگری خود تجربه می کنند. (۱۶) پژوهش های اخیر در مورد والدین کودکان اوتیسم، نشان داده آنان در مقایسه با والدین کودکان عادی و سایر کودکانی که نیازهای ویژه یا بیماری های مزمن دارند، استرس بالاتری را تجربه می کنند. (۱۷) در چنین موقعیتی گرچه همه ی اعضای خانواده و کارکرد آن، آسیب می بیند، (۱۸) اما مادران به علت داشتن نقش سنتی مراقب، مسئولیت های بیشتری در قبال فرزند کم توان خود به عهده می گیرند که در نتیجه، با مشکلات روانی بیشتری مواجه می شوند. فرض بر این است که مشکلات مربوط به مراقبت از فرزند مشکل دار، والدین به ویژه مادر را در معرض خطر ابتلا به مشکلات مربوط به سلامت روانی قرار می دهد. (۱۹) همچنین باعث پایین آمدن عزت نفس و احساس خود کم بینی و بی ارزشی و غم و اندوه در مادر می شود که پیامد آن بروز افسردگی و به خطر افتادن سلامت روانی مادر می باشد. (۲۰)

بنا بر تعریف سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی، درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ سیستم ارزشی که در آن زندگی می کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت هایی است که کاملاً فردی بوده و برای دیگران قابل مشاهده نیست و بر درک افراد از جنبه های مختلف زندگی شان استوار است. (۲۱) بنابراین کیفیت زندگی با شرایطی که سلامت روانی و جسمی را به خطر می اندازد، در ارتباط مستقیم قرار می گیرد. پژوهش های مختلف نشان داده اند که گروه درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی درمانی با سلامت روانی همبسته است. آموزش روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی درمانی رویکردی جدید در روانشناسی مثبت است که توسط مایکل بی فریش در سال ۱۹۸۰ مطرح شد. (۲۲) فریش با ترکیب رویکرد شناختی-رفتاری آرون تی بک و روانشناسی مثبت به همراه استفاده از استعاره، آموزش آرمیدگی و مراقبه، مشاوره مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی را در شانزده حیطه برای گروه های بالینی و غیر بالینی ارائه داد. فریش معتقد است که این درمان مانند روان درمانی های مثبت به دنبال مطالعه و ارتقاء شادی و بهزیستی انسان ها از طریق کشف توانمندی و کیفیت زندگی برتر است. این رویکرد، درمانگران را تشویق می کند که به آن سوی مدل بیماری از اختلالات روانی

بروند. اگرچه در درمان اختلالات روانی، باید به دنبال علت و آسیب شناسی باشیم اما ایجاد و افزایش کیفیت بهتر زندگی، هدف نهایی و اصلی همه درمان ها است. داشتن یک زندگی با کیفیت، علاوه بر کشف پتانسیل افراد سالم، به بیماران برای سازگار شدن با بیماری های مزمن، بیماری های جسمی کوتاه مدت و ناتوانی های مزمن خود، کمک می کند. (۲۲)

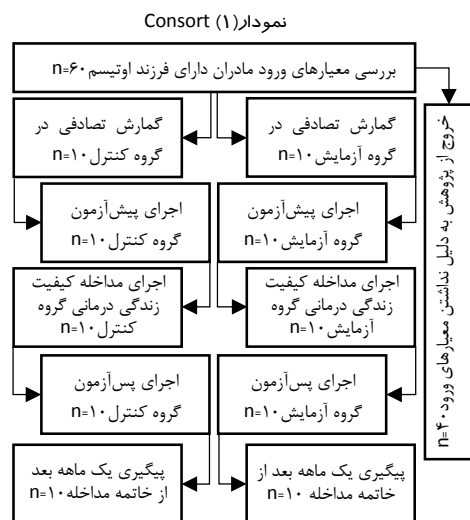
این رویکرد درمانی به درمان جویان آموزش می دهد که شادی نیز یک انتخاب است. تجاربی که توسط این درمان بنا شده است در مدل پنج راهه CASIO ترکیب شده است. این مدل که شالوده و پایه اصلی درمان مبتنی بر کیفیت زندگی را تشکیل می دهد دارای پنج مفهوم است: ۱- وضعیت یا شرایط زندگی. ۲- نگرش ها. ۳- معیارها. ۴- ارزش های مهم. ۵- رضایت در همه زمینه ها. در این مدل، سی اصل برای زندگی شاد، توصیف شده است. مدل CASIO بر اساس پایه های نظریه ای برای فهم تفاوت های فردی در رضایت از زندگی، تدوین شده است. سرخط درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، شانزده حوزه اصلی زندگی است که از توسعه معنویت و خودپنداره در خانه شروع شده تا همسایگان، اجتماعات و چگونگی کسب رضایت از زندگی و شادی در هر یک از حوزه ها ادامه می یابد. این شانزده حوزه اصلی که مداخلات بر آن متمرکز می شود عبارتست از: ۱- بهداشت و سلامت جسمانی. ۲- عزت نفس. ۳- اهداف و ارزش ها. ۴- پول و مادیات. ۵- کار. ۶- بازی. ۷- یادگیری. ۸- خلاقیت. ۹- کمک به دیگران. ۱۰- عشق. ۱۱- دوستان. ۱۲- فرزندان. ۱۳- خویشاوندان. ۱۴- خانه و همسایه ها. ۱۵- جامعه. ۱۶- همسر.

درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، به صورت گروهی و انفرادی، قابل اجرا است. بدین شکل که درمانگر، ابتدا از افراد می خواهد از بین شانزده حوزه مطرح در درمان، حوزه های

دلایل مختلف در حال افزایشی چشمگیر است (۲۳) و پژوهش‌های جمعیت‌شناختی شیوع آن را شش درصد برآورد کرده‌اند، (۲۴) و با توجه به تازه تاسیس بودن انجمن اوتیسم کاشان. همچنین عدم اجرای پژوهشی در این باره، پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش اثر بخشی روان درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی بر وضعیت بهزیستی روان‌شناختی مادران دارای فرزند اوتیسم در شهر کاشان انجام گرفت.

مهمی که می‌خواهند در آن تغییراتی ایجاد کنند؛ مشخص نمایند و سپس درمان مبتنی بر کیفیت زندگی در طول جلسات، روی این حوزه‌ها تمرکز می‌کند. برای هر کدام از این حوزه‌ها، تکالیف و تمریناتی برای اجرا در درون و بیرون جلسات درمان، طراحی شده است. از آنجایی که شیوع اختلال اوتیستیک به

روش



پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی است و از نوع پژوهش‌های نیمه آزمایشی (همراه با پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل) است. در این پژوهش، متغیر مستقل دارای دو سطح روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی و عدم مداخله است و متغیر وابسته، بهزیستی روان‌شناختی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه مادران دارای کودکان اوتیسم مراجعه‌کننده به مرکز اوتیسم شهرستان کاشان (تعداد خانواده‌های اوتیسم شصت و دو نفر که توسط انجمن اوتیسم شناسایی شده بودند). در پاییز سال ۱۳۹۵ بود. در این مطالعه بیست مادر به روش نمونه‌گیری تصادفی از میان جامعه آماری انتخاب شدند. سپس آزمودنی‌ها به صورت تصادفی و با قرعه کشی در دو گروه آزمایش و گواه (هر گروه ده نفر) جایگزین شدند. قبل از مداخله از هر دو گروه آزمون بهزیستی روان‌شناختی ریف به عمل آمد. سپس گروه آزمایش پس از پرکردن پرسشنامه کیفیت زندگی درمانی، از

بین‌شانزده حوزه اصلی مداخلات، مهمترین را انتخاب کردند و در نهایت حوزه‌های دوستی و رفاقت، تفریح و سرگرمی، سلامتی، کار و یادگیری و خلاقیت، زندگی معنوی، احترام به خود به ترتیب اهمیت در اولویت درمان قرار گرفتند. جلسه گروه درمانی برای گروه آزمایش اجرا گردید ولی گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. جلسه‌های درمانی هشت جلسه بود که مطابق با فرمت درمان، در هر جلسه از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شد که تکالیف یاد گرفته شده در هر جلسه را پس از پایان آموزش در منزل انجام دهند. در جلسه آخر پس از آزمون برای هر دو گروه اجرا شد. جلسات به صورت هفته‌ای یک جلسه شصت دقیقه‌ای برگزار شد. لازم به ذکر است که سه جلسه غیبت از جلسات، به عنوان ملاک افت آزمودنی‌ها در نظر گرفته شد که هیچ ریزشی در نمونه‌ها مشاهده نشد. جلسات به صورت گروهی و به شیوه‌ی سخنرانی، بحث گروهی و بر اساس تکالیف در حین جلسه و تکالیف تهیه شده در بسته درمانی برای انجام، در بین جلسات اجرا شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: داشتن فرزند مبتلا به اوتیسم، عدم شرکت در کلاس‌های آموزشی روان‌شناختی دیگر به‌طور همزمان، سواد خواندن و نوشتن.

به منظور رعایت اخلاق پژوهش، از کلیه بیماران جهت شرکت در طرح پژوهشی رضایت آگاهانه کسب شد و توضیح داده شد اطلاعات پژوهش فقط در اختیار محققین می‌باشد و صرفاً برای مقاصد پژوهشی استفاده می‌شود. از آنجا که آزمودنی‌های گروه کنترل در معرض مداخله قرار نگرفتند، به آنان گفته شد که حدود دو ماه در لیست انتظار برای دریافت درمان قرار دارند و در زمان مناسب درمان مبتنی بر کیفیت زندگی برای آنان ارایه خواهد شد. خلاصه ساختار و محتوای جلسات درمانی به شرح جدول شماره یک بود.

ابزار پژوهش

مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف: این مقیاس توسط ریف در سال ۱۹۸۹ طراحی و در سال ۲۰۰۲ مورد تجدید نظر قرار گرفته

روش روایی سازه و با اجرای پرسشنامه های رضایت از زندگی، شادکامی آکسفورد و عزت نفس روزنبرگ به ترتیب ۰/۴۷، ۰/۵۸، ۰/۴۶ به دست آمد. (۴)

مقیاس کیفیت زندگی درمانی: این پرسشنامه جهت سنجش کیفیت زندگی فرد در دو هفته اخیر مورد استفاده قرار می گیرد، این پرسش نامه توسط سازمان بهداشت جهانی با همکاری پانزده مرکز بین المللی در سال ۱۹۸۹ ساخته شده است. بیست و چهار سوال این پرسشنامه در قالب چهار حیطه است، که دو سوال اول به هیچ یک از حیطه ها تعلق ندارد و وضعیت سلامت و کیفیت زندگی را به شکل کلی مورد ارزیابی قرار می دهند، بنابراین پرسشنامه در مجموع بیست و شش سوال دارد که

است. این آزمون نوعی ابزار خودسنجی است که در یک مقیاس شش درجه ای از کاملاً موافق (نمره شش) تا کاملاً مخالف (نمره یک) نمره گذاری می شود. از بین کل سوالات، ده سوال به صورت مستقیم و هشت سوال به صورت معکوس نمره گذاری می شود. بالاترین نمره در این پرسشنامه پانصد و چهار و کمترین نمره هشتاد و چهار می باشد. نمره بالاتر نشان دهنده میزان بهزیستی روان شناختی بیشتر است. خرده مقیاس های بهزیستی روان شناختی، شامل شش مقیاس خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، پذیرش خود، رابطه مثبت با دیگران و زندگی هدفمند است. در ایران واحدی و غنی زاده مقدار پایایی آزمون را به روش دو نیمه کردن و آلفای کرونباخ، به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۷۲ گزارش کرده اند. در پژوهش بیانی، گودرزی و محمد کوچکی تحت عنوان بررسی روایی و پایایی مقیاس بهزیستی روان شناختی ریف، ضریب پایایی برای این مقیاس ۰/۸۲ و برای مولفه های پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد شخصی به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۸، ۰/۷۰ و ۰/۷۸ به دست آمد و روایی مقیاس نیز به

جدول (۱) خلاصه جلسات روان درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی

هدف جلسه	شرح جلسه	تکنیک های به کار رفته	زمان جلسه
جلسه اول: معارفه و آشنایی با گروه و بیان قوانین	معارفه و آشنایی اعضای گروه با یکدیگر، تعریف نقش کیفیت زندگی در سلامت روانی و بهزیستی ذهنی افراد. توزیع پرسشنامه کیفیت زندگی درمانی.	آموزش مدل پنج راهه CASIO. تکمیل نیمرخ کیفیت زندگی به صورت فردی، توافق بر حوزه های مهم از بین شانزده حوزه مشخص شده در درمان مبتنی بر کیفیت زندگی.	۹۰
جلسه دوم: افزایش عزت نفس	بررسی نقش عزت نفس در بهزیستی ذهنی و سلامت روانی، تعریف عزت نفس بر اساس مدل درمان مبتنی بر کیفیت زندگی.	آموزش «یادداشت موفقیت» برای اجرا در منزل، آموزش تکنیک BAT جهت تکمیل در منزل، آموزش استفاده از «لیست توانایی ها»	۹۰
جلسه سوم: توجه به سلامتی جسمانی و اصل پذیرش	تعریف سلامتی مطابق درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، آموزش تمرین «سبد تخم مرغ»، آموزش برنامه شش مرحله ای کنترل عادات.	اصل «پذیرش چیزهایی که نمی توانیم تغییر دهیم»	۹۰
جلسه چهارم: آشنایی با نقش معنویت در زندگی	آشنایی با نقش اهداف، ارزش ها و زندگی معنوی در رضایت از زندگی، مشخص کردن فلسفه زندگی، اجرای تمرین هدف یابی، کارکردهای مذهبی و معنوی بودن.	تکنیک اصول تعیین هدف.	۹۰
جلسه پنجم: شرح اهمیت برقراری ارتباط موثر با دیگران	تعریف ارتباط در درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، آموزش انگاره های اصلی ارتباط در درمان مبتنی بر کیفیت زندگی.	تکنیک استفاده از فرهنگ لغات احساسات، آموزش فن نامه نگاری یک و دو	۹۰
جلسه ششم: اهمیت یادگیری های جدید	مروری کوتاه بر جلسه قبل و بررسی تکالیف جلسه قبل، تعریف یادگیری در درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، آموزش مراحل پنج گانه جهت افزایش یادگیری. (در حیطه های مورد علاقه)	آموزش مهارت های مطالعه و یادگیری	۹۰
جلسه هفتم: گام های موثر برای برقراری عادت کردن به بازی و تفریح	نیاز به بازی و تفریح یعنی چه؟ مشخص کردن بازی هایی که باعث تخریب کیفیت زندگی می شود.	آموزش تفاوت بین «فعالیت های باید و خواستن»	۹۰
جلسه هشتم: جمع بندی و خاتمه	آموزش استفاده از فرم استرس های شخصی و چک لیست اضطرابی عود به منظور حفظ نتایج درمان و پیشگیری از عود، دریافت بازخورد در خصوص درمان مبتنی بر کیفیت زندگی، مروری بر مدل CASIO و تاکید بر استفاده از آن در تمام زندگی.		۹۰

نجات و همکاران (۱۳۸۵)، استانداردسازی شده است که روایی محتوایی دو پرسشنامه را مطلوب، پایایی آن را با استفاده از روش بازآزمایی برای حیطه‌های سلامت جسمانی، سلامت روان‌شناختی، روابط با دیگران و محیط به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۷، ۰/۷۵ و ۰/۸۴ اعلام کرده‌اند. این مطالعه نشان داد که ترجمه فارسی سه پرسشنامه دارای پایایی و اعتبار قابل قبولی می‌باشد. از طرفی این ابزار در نقاط مختلف جهان مورد استفاده واقع می‌شود، لذا قابلیت مقایسه نتایج پژوهش‌های داخل کشور را با سایر کشورهای جهان فراهم می‌سازد. از آنجا که این ابزار، عمومی و دارای اعتبار می‌باشد، می‌تواند در گروه‌های مختلف سالم و بیمار مورد استفاده قرار گیرد. (۳۴) منبع مداخله، پکیج کیفیت زندگی درمانی مایکل فریش می‌باشد که در هشت جلسه درمانی قابل ارایه است.

دارای حیطه‌های زیر است: حیطه سلامت جسمانی (فیزیکی)، حیطه روان‌شناختی، حیطه روابط اجتماعی و حیطه محیط زندگی. نصیری (۱۳۸۵) ضمن ترجمه و تهیه نسخه ایرانی این مقیاس (IRQOL) ضریب پایایی توصیفی و همسانی درونی آن را در یک نمونه سیصد و دو نفری از دانشجویان شیراز به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۴ گزارش نموده است. همچنین ضریب پایایی بازآزمایی آن را ۰/۶۷ به دست آورده و نتایج مربوط به روایی همزمان آن با مقیاس سلامت عمومی (GHQ) رضایت بخش اعلام شده است. پرسشنامه (WHOQOL-BREF) توسط

یافته‌ها

جدول (۲) نمره‌های توصیفی بهزیستی روان‌شناختی دو گروه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون (ده نفر در هر گروه)				
گروه	آزمون	میانگین	انحراف استاندارد	پایین ترین
کنترل	پیش‌آزمون	۴۶/۵۰	۱/۱۸	۳۰
	پس‌آزمون	۴۹/۸۰	۱/۲۳	۲۷
آزمایش	پیش‌آزمون	۴۵/۶۰	۱/۲۶	۲۳
	پس‌آزمون	۵۸/۳۰	۱/۰۶	۵۳

جدول (۳) نتایج آزمون شاپرو برای پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات			
متغیر	گروه	مقدار آماری	درجه آزادی
بهزیستی روان‌شناختی	کنترل	۰/۹۳	۲۰
	آزمایش	۰/۹۲	۲۰

جدول (۴) نتایج آزمون همگونی واریانس‌ها				
متغیر	آزمون	مقدار آماری	درجه آزادی	سطح معناداری
بهزیستی روان‌شناختی	پیش‌آزمون	۰/۰۰۶	۱	۱۸
	پس‌آزمون	۰/۳۰	۱	۱۸

جدول (۵) نتایج تحلیل کوواریانس تأثیر عضویت گروهی بر بهزیستی روان‌شناختی					
منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
پیش‌آزمون بهزیستی (از همپار)	۱۵۷/۷۰۸	۱	۱۵۷/۷۰۸	۱/۱۹	۰/۰۶۶
گروه	۴۱۴۳/۹۱	۱	۴۱۴۳/۹۱	۳۱/۴۷	۰/۰۰۰
خطا	۲۲۳۷/۹۹	۱۷			
مجموع	۶۴۵۶/۹۵	۱۹			

میانگین سن مادران در گروه کنترل، چهل و یک در دامنه سنی بیست و نه الی پنجاه و دو سال و در گروه آزمایش چهل و دو در دامنه سنی سی و دو الی پنجاه و چهار سال بود. از لحاظ تحصیلات بیست درصد سیکل، سی و پنج درصد دارای تحصیلات دیپلم، سی و پنج درصد دارای تحصیلات لیسانس و ده درصد دارای تحصیلات ارشد بودند. همچنین از نظر شغل چهل درصد خانه‌دار، بیست و پنج درصد کارمند و سی و پنج درصد دارای شغل آزاد بودند. میانگین، انحراف استاندارد نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون بهزیستی روان‌شناختی در دو گروه آزمایش و کنترل در جدول شماره دو ارائه شده است. همان‌طور که در جدول شماره دو مشاهده می‌شود، میانگین نمرات بهزیستی روان‌شناختی در گروه کنترل در مرحله پیش‌آزمون برابر با ۴۶/۵۰ و در مرحله پس‌آزمون برابر ۴۹/۸۰ می‌باشد، در حالی که میانگین نمرات بهزیستی روان‌شناختی در گروه آزمایش در پیش‌آزمون ۴۵/۶۰ و در پس‌آزمون برابر ۵۸/۳۰ است. همانگونه که در جدول شماره سه مشاهده می‌گردد، فرض صفر برای نرمال بودن توزیع نمرات دو گروه در تمام متغیرها تأیید شده است. یعنی پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات در پیش‌آزمون و در هر دو گروه کنترل و آزمایش تأیید گردیده است. همان‌طور که در جدول شماره چهار مشاهده می‌شود، فرض صفر برای تساوی واریانس‌های نمرات دو گروه در متغیر بهزیستی روان‌شناختی در پیش‌آزمون و پس‌آزمون مورد تأیید قرار گرفته است. (معناداری بالاتر از ۰/۰۵) نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی بر افزایش بهزیستی روان‌شناختی مادران کودکان مبتلا به اوتیسم در جدول شماره پنج نشان داده شده است. مقدار F بین دو گروه آزمایش و گواه با ثابت نگه داشتن اثر پیش‌آزمون برابر ۳۱/۴۷ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است، بنابراین فرضیه آماری پذیرفته شده و می‌توان نتیجه گرفت که روان‌درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی مادران کودکان مبتلا به اوتیسم شده است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان اثر بخشی روان درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی بر بهزیستی روان شناختی مادران کودکان مبتلا به اوتیسم انجام شد. یافته های پژوهش نشان داد که روان درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی باعث افزایش بهزیستی روان شناختی مادران کودکان مبتلا به اوتیسم شده است. که همسو با یافته های پژوهش قاسمی و همکاران، (۲) سگرس تورم، (۹) مانسل و همکاران، (۱۴) برادفورد، (۱۵) آناستاپولوس، (۱۶) گالو و همکاران، (۱۷)؛ ونگ، (۱۱) لیندفورس و همکاران (۸) و هرینگ و همکاران (۱۸) می باشد. همانطور که این پژوهشگران نیز نشان داده اند حضور کودک با ناتوانی و نیاز خاص در بافت خانوادگی منجر به بروز اشکال در ابعاد بهزیستی روان شناختی در والدین می گردد. در تبیین یافته های پژوهشی حاضر می توان اذعان نمود که یکی از بزرگترین نگرانی های والدین اوتیسم (به عنوان اختلالی مادام العمر)، در مورد آینده کودک است، اینکه کودک دیگر هیچ وقت کاملاً نرمال نخواهد بود و ممکن است اطرافیان نیز شرایط کودک را درک نکنند و نسبت به کودک و والدینش واکنش های منفی بروز دهند و خانواده، حمایت های اجتماعی مطلوب را دریافت نکنند، (۲۵) در واقع بالاترین استرسی که والدین اوتیسم تجربه می کنند، پذیرش کم جامعه نسبت به رفتارهای اوتیستیک فرزندان و عدم حمایت های اجتماعی در درمان و توان بخشی اختلال می باشد. (۲۵) بنابراین وجود این ناتوانی قدرت مقاومت و مقابله با مشکل را کاهش می دهد و والدین را در مواجهه با نگرانی آینده مجهول فرزندان کاملاً بدبین می کند. (۲۶) تولد کودک اوتیسم ضربه های مخربی بر سازگاری و بهزیستی روانی خانواده ها می زند، به نحوی که خانواده های کودکان اوتیسم مشکلات سازشی بیشتری نسبت به والدین کودکان عادی دارند. ناکامی ناشی از داشتن یک کودک ناتوان منجر به بروز احساس انزوا، بلا تکلیفی و اختلال در مهارت های ارتباطی موثر اعضا با یکدیگر می شود. بروز اشکال در میان خانواده احتمال آسیب به اهداف و آرمان نهایی زندگی مشترک را افزایش می دهد و معنای زندگی را دچار تزلزل می کند، ناهماهنگی میان اهداف ترسیم شده و وقایع رخ داده عاملی مهم در مخدوش کردن بهزیستی و امنیت روانی است. در واقع اگر وضعیت موجود فرد در روابط خانواده مطابق با انتظار باشد، بهزیستی روان شناختی و رضایت از زندگی افزایش می یابد. نارضایتی از زندگی وقتی اتفاق می افتد که وضعیت موجود فرد در روابط خانوادگی با وضعیت مورد انتظار و دلخواه منطبق نباشد. (۲۷)

در واقع کیفیت زندگی به عنوان یک تجربه شناختی، با رضایت از ابعاد مهم زندگی از نظر خود فرد و نیز یک تجربه ی احساسی که با شادی تظاهر می یابد، نشان داده می شود. (۲۸) افزایش این دو عامل، منجر به افزایش بهزیستی و سلامت روانی افراد می شود. به نظر می رسد در این پژوهش تغییر دیدگاه مراجعان در ابعاد تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی و پذیرش خود به همین دلیل بوده است. سلیگمن (۲۹) در پژوهشی همسو با یافته های پژوهش حاضر نشان داد روان درمانی های مثبت در افزایش بهزیستی ذهنی آزمودنی ها اثر گذار است. کیفیت زندگی پایین، روی ارتباطات خانوادگی نیز اثر می گذارد، موجب عدم سازگاری در افراد شده و در نتیجه موجب افزایش تنش در آنان می گردد. افزایش تنش در ارتباط مستقیم با عوامل فیزیکی و جسمی است و شدت بیماری در افراد را افزایش می دهد. (۳۰) به گونه ای که بالو نشان داد فعالیت های معنوی می تواند تا حد زیادی کاهش بهزیستی روان شناختی افراد دارای بیماری مزمن را کنترل کند. در این درمان با کمک روش های شناختی، افراد یاد گرفتند، عواطف خود را کنترل و رضایت خاطر بالاتری را در زندگی تجربه کنند. (۳۱) در گروه درمانی مبتنی بر کیفیت زندگی به آزمودنی ها، آموزش داده می شود که بهزیستی ذهنی را جزء ضروری سلامت روانی خود بدانند و به این دیدگاه دست پیدا کنند که سلامت روانی، تنها نداشتن بیماری روانی نیست، بلکه همواره باید به دنبال افزایش رضایت خاطر از زندگی باشند و با ایجاد تعادل بین حوزه های ارزشمند زندگی، میزان بهزیستی ذهنی و رضایت خاطر از زندگی و به دنبال آن سلامت روانی بالاتری را در خود ایجاد کنند. همانطور که در پژوهش هدا و همکاران نیز نشان داده شد. حضور کودک با ناتوانی و نیاز خاص در بافت خانوادگی، منجر به بروز اشکال در ابعاد مثبت گرای روان شناختی در والدین می گردد. (۳۲)

پژوهشی در هونگ گونگ و چین به بررسی اثربخشی سه نوع حمایت اجتماعی بر بهزیستی روان شناختی مادران دارای کودکان اوتیسم پرداخت. این پژوهش تاثیر معنادار و مثبت دریافت حمایت از خانواده، افراد مهم، دوستان و متخصصان بر بهزیستی روان شناختی این مادران را تایید کرد. (۲۳)

به ویژه در ارتباط با کودکان شان کنار آمده و این منجر به افزایش سلامت عمومی آنان شده است.

محدودیت ها: انجام این پژوهش با محدودیت هایی مواجه بوده است، این پژوهش صرفاً برای گروه مادران کودکان اوتیسم انجام گرفت، یافته های حاصل از این پژوهش آثار کوتاه مدت این مداخله را نشان می دهد و آثار بلندمدت آن، پیگیری نشده است. آگاهی اندک شرکت کنندگان از ضرورت انجام چنین مطالعه ای و همکاری نامناسب بعضی مادران، به خاطر عدم تمایل به ارایه اطلاعات، از جمله محدودیت های دیگر این پژوهش بود. **پیشنهادهات:** با توجه به نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می شود مقایسه بهزیستی مادرانی که با همسرشان زندگی می کنند با مادرانی که جدا از همسرشان زندگی می کنند، انجام شود و همچنین بررسی تاثیر جنسیت، سن کودک و شدت اختلال بر میزان بهزیستی مادران پیشنهاد می شود. مقایسه میزان تاثیر مداخله های گوناگون در زمینه کاهش استرس مادران کودکان اوتیسم برای پژوهش های آتی توصیه می شود.

این خانواده ها در زمان رو به رو شدن با شرایط استرس زا به دنبال انواع حمایت های اجتماعی جهت انطباق یافتن با این شرایط و چالش ها می باشند، (۳۳) پس به نظر می رسد که به کارگیری تکنیک های آموزش روانی، حمایتی، رفتاری از جمله برون ریزی احساسات و تاثیرات ناشی از شرکت در گروه باعث افزایش سلامت روان مادران کودکان مبتلا به اوتیسم شده است. با توجه به اینکه یکی از اهداف تشکیل گروه، درمان حمایتی بوده است، بنابراین به نظر می رسد که این مادران با دریافت حمایت اجتماعی کافی و مناسب در طی درمان گروهی، توانسته اند به طور موفقیت آمیزتر و مطلوبتری با استرس ها و مشکلات خود

References:

1. Shokri, Shahraray, Daneshvarpour, Dastjerdi. Individual differences in identity styles and academic performance: the role of commitment and psychological well-being. Tarbiyat Moallem university. 2006:17-9 [Persian].
2. Ghasemi, Kajbaf, Rabiee. The effectiveness of quality of life psychotherapy on psychological well-being clinical psychology. 2011;2(3):23-33 [Persian].
3. Bridges, Margie, Zaff. Family intervention services program evaluation: a brief report on initial outcomes for families Australian e-journal for the advancement of mental health. 2002.
4. Ryff. Psychological well-being in adult life. Psychological science 1995:100-4.
5. Compton. Toward a tripartite factor structure of mental health: subjective well-being, personal growth, and religiosity. Journal of psychology. 2001;135:486-500.
6. Springer, Hauser. An assessment of the construct validity of Ryff's scales of psychological well-being: method, mode, and measurement effects. Social science research. 2006;35(1080-1102).
7. Keyes. Social well-being. Social psychology quarterly. 2002:121-40.
8. Knekt, P., Lindfors, O., Renlund, C., Sares-Jaske, L., Laaksonen, M.A. and Virtala, E. (2011) Use of Auxiliary Psychiatric Treatment during a 5-Year Follow-Up among Patients Receiving Short- or Long-Term Psychotherapy. Journal of Affective Disorders, 135, 221-230.
9. Segerstrom, Miller. Psychological stress and the human immune system: a meta-analytic study of 30 years of inquiry. 2004.
10. Afrooz. An introduction of psychology and education of exceptional children. Tehran: Tehran university press; 2007 [Persian].
11. Wang, Davidson, Yakushko. The scale of ethno cultural empathy: development, validation, and reliability. Counseling psychology. 2003:23-221.
12. Mehrdad K. Recognizing and treating child behavioral problems: Kankash; 1993 [Persian].
13. Kendall. Childhood disorders. New York, 2000.
14. Mansell. A survey of parents' reactions to the reaction to the diagnosis of an autistic spectrum disorder by a local service: access to information and use of services. The journal of clinical psychiatry. 2008;4(8):387-407.
15. Bradford. Children, families and chronic disease: psychological models and methods of care. Routledge. 1997.
16. Anastopoulos, Guevremont, Shelton, DuPaul. Parenting stress among families of children with attention deficit hyperactivity disorder. Abnormal child psychology. 1992:503-20.
17. Gallo, Bogart, Vranceanu, Matthews. Socioeconomic status, resources, psychological experiences, and emotional responses: a test of the reserve capacity model. Personality and social psychology. 2005;88:386-99.
18. Herring, Gary, Taffe, Sweeney, Einfeld. Behaviour and emotional problems in toddlers with pervasive

developmental delay. Parental mental health and family functioning. 2006.

19. McConkey. The impact on mothers of bringing up a child with intellectual disabilities: a cross-cultural study. Behavior research and therapy. 2008;9(21):130.

20. Narimani. Comparison of mental health of autistic children's mothers 2008. [Persian]

21. Bonomi. Version of the world health organization quality of life (WHOQOL) instrument. Journal of clinical epidemiology. 2000.

22. Frisch. Finding happiness with quality of life therapy: appositve psychology approach: quality of life press; 2006.

23. Riyahi. The effect of supportive and cognitive-behavioral therapy on mental health and irrational beliefs of mothers with a child with Autism disorder. Jundishapur scientific medical journal. 2011;10(6):637-45.

24. Myers. Management of children with Autism spectrum disorders. Pediatrics. 2007;120(5):1162-82.

25. Chime. Problems and needs of mothers with Autistic children. J family Res. 2008;3(3):697-707.

26. Duarte. Factors associated with stress in mothers of children with Autism. Autism. 2005;9(4):416-27.

27. Winch. Selected studies in marriage and the familiy. New york: Hito Rinehart and Wiston. INC; 2000.

28. Tuna. Quality of life of primary caregivers of children with cerebral palsy. Deve med child neurol. 2007;46(9):647-9.

29. Seligman. Subjective well-being. Clin psychol. 2002(24):25-41.

30. Mauro. Quality of life in individuals with Anxiety disorders. The American journal of psychiatre. 2000;15(5):105-13.

31. Mugno. Impairment of quality of life in parent of children and adolescents with pervasive developmental disorder social science & medicine. 2007.

32. Hedda. Families with children who have Autism spectrum disorders: stress and support. Social science journals. 2010;77(1):7-12.

33. Lin. Families of adolescents and adults with Autism spectrum disorders in Taiwan, the United States: the role of social support and coping in family adaptation and maternal wellbeing. Research in Autism spectrum disorders. 2011;5(1):144-56.

34. S Nejat , A Montazeri , K Holakouie Naieni , K Mohammad , S.R Majdzadeh. The world health organization quality of life (WHOQOL-BREF) questionnaire: translation and validation study of the Iranian version. Journal of school of public health and institute of public health research. 2006; 4(4); 1-12 [Persian]